



اشاره:

آیت‌الله محمود رجبی از شاگردان برجسته علامه مصباح و عضو هیات علمی و استاد تمام موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تقدیر می‌باشند. ایشان در سال‌های متعددی به تحقیق و پژوهش مشغول بوده و تا به امروز، خدمات علمی و فرهنگی بسیاری از خود برجای نهاده است. او علاوه بر بارها تدریس متون درسی فقه و اصول در حوزه با تدریس تفسیر و علوم قرآن، جامعه‌شناسی اسلامی و نظام تفکر دینی در مراکز آموزش عالی حوزه و دانشگاه برای طلاب، دانشجویان، دبیران و اساتید دانشگاه، شاگردان فراوانی را تربیت کرده است. ایشان با توجه به رشته تحصیلی خود در مؤسسه در راه حق (جامعه‌شناسی) و مطالعات و تحقیقات فراوان در علوم قرآنی و تفسیر، سال‌ها به تدریس در آن دو مؤسسه و نیز دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی، آزاد و مرکز تربیت معلم آموزش و پرورش در رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم قرآنی و تفسیر اشتغال داشته است. تهیه متون و منابع درسی در دو رشته «تفسیر و علوم قرآن» و «جامعه‌شناسی» نیز یکی دیگر از فعالیت‌های چشمگیر ایشان است و از این رهگذر کتاب‌های متعددی را تألیف کرده که از آن جمله می‌توان «روش تفسیر قرآن»، «شناخت قرآن»، «عجاز قرآن»، «انسان‌شناسی» منطق فهم قرآن، چند درس درباره اپنولوژی اسلامی، چند درس پیرامون شناخت قرآن یاد کرد. همچنین می‌توان از کتاب «قرآن‌شناسی» - که حاصل تلاش ایشان در تحقیق و تدوین درس‌های استاد مصباح یزدی می‌باشد - را نام برد او همچنین کتاب‌های «درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی»، «تاریخچه جامعه‌شناسی»، «مبانی جامعه‌شناسی» و «تاریخ تفکرات اجتماعی» را در قلمرو علوم اجتماعی به رشته تحریر درآورده است. ایشان در زمینه ترجمه نیز کتاب «عوامل ضعف المسلمین» نوشته سمیع عاطف الزین را به فارسی ترجمه کرده است. و کتاب‌های روش تفسیر و انسان‌شناسی ایشان به زبان‌های عربی و اردو ترجمه شده است. این استاد برجسته حوزه نزدیک به ۳۰ مقاله علمی در مجلات علمی - پژوهشی و علمی ترویجی و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی ارائه کرده است. حجت الاسلام والمسلمین محمود رجبی از مؤسسان دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و مسؤول گروه علوم اجتماعی این دفتر است. وی همچنین ضمن عضویت در شورای عالی بررسی متون درسی دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی تقدیر را نیز بر عهده دارد. وی در طی سال‌های تحقیق و تدریس خود به عنوان مدیر گروه علمی برتر، پژوهشگر برتر استان، استاد نمونه و پژوهشگر نمونه انتخاب شدند. مبارزه با اندیشه‌های التقاطی و التجادی گروهک منافقین و کمونیست‌ها در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ و حضور در جبهه‌های حق علیه باطل در دوران دفاع مقدس بخشی دیگر از فعالیت‌استاد آیت‌الله محمود رجبی است. ایشان هم‌اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه، عضو هیات امنای دانشگاه قم و قائم مقام آیت‌الله مصباح (رضوان‌الله علیه) در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تقدیر است. برغم پرکاری و اشتغالات زیادی که دارند متواضعانه مصاحبه با نشریه پویا را پذیرفتند و نکاتی بسیار جالب و شنیدنی برای خوانندگان عزیز بیان کردند. در طی این مصاحبه آن‌چه بیش از هر چیز، توجه ما را جلب کرد تواضع و فروتنی، رعایت ادب، وقار، ساده زیستی و نکته‌سنجی ایشان بود.

## گفتمانی در چارچوب اسلام اصیل

- برای پاسخ به این سؤال باید به قبل از انقلاب برگردیم. با شروع نهضت در دهه‌ی ۴۰، ابتدا کسی باورش نمی‌شد که انقلاب به این زودی‌ها به پیروزی برسد. حضرت علامه در این باره می‌فرمودند که آیت‌الله بهشتی که بسیار روشن‌بین بودند معتقد بودند که بیش از بیست سال دیگر شاید انقلاب شکل‌گیری شود، اگر چه از همان ابتدا این موضوع به ذهن ایشان خطور کرده بود که انقلاب نیازمند به پشتوانه علمی است. لذا استاد می‌فرمودند که ما در آن دوره احساس کردیم که

**فرهنگ پویا:** حضرت علامه مصباح یزدی دارای ابعاد گوناگونی است یکی از آن ابعاد، شخصیت علمی ایشان می‌باشد در این مصاحبه در نظر داریم از محضر شما در خصوص این بُعد از شخصیت ایشان استفاده کنیم. با شروع نهضت اسلامی در برخی از بزرگان این احساس به وجود آمد که ساختارسازی و اداره جامعه نیازمند به تولید علم در حوزه‌های مختلف علوم انسانی است و تولید این محتوا نیز نیازمند به تحول علمی در حوزه‌هاست با توجه به این مقدمه، نقش حضرت علامه در این تحول را توضیح بفرمایید؟



علامه مصباح می‌فرمود در آغاز انقلاب اسلامی احساس می‌کردیم که محتوای آموزشی و نظام آموزشی حوزه در پاسخ به نیازهای جامعه توان لازم را ندارد و باید یک تحول علمی در حوزه رخ می‌داد و به تعبیر دیگر یک مکملی برای برنامه‌های حوزه نیاز بود، تا بتواند پا به پای تحولات، پاسخگوی نیازها باشد.

- در قبل از انقلاب اشخاصی تحت تأثیر اندیشه‌های مارکسیستی بودند، و در صفوف انقلابیون نیز قرار داشتند. آن‌ها به دلیل داشتن ویژگی‌هایی، اشخاص را به خود جلب می‌کردند. حتی در حوزه‌های علمیه طلاب انقلابی جذب آن‌ها می‌شدند. این جریان ضمن انحرافات فکری که با مبانی اسلام مغایرت داشت، روحانیت و بزرگان علمی را بدون توجه به جایگاه، نقش و شرایط تاریخی آنان، تخریب می‌کردند و از آن‌ها تصویری غیرواقعی به جامعه ارائه می‌کردند. لذا حضرت استاد خطر آن‌ها را احساس کردند و برغم اهانت‌های عجیبی که به ایشان می‌شد، که گفتن بعضی از آن‌ها چندش‌آور است. حضرت علامه مستحکم در مقابل آن‌ها ایستادند و به نقد افکار، گفته‌ها و نوشته‌های آن‌ها پرداختند.

**فرهنگ پویا:** همان گونه که مستحضرید تولید علوم انسانی اسلامی نیازمند به یک منطق هستیم که براساس آن رابطه اسلام با علوم انسانی را مشخص کنیم، این منطق از منظر حضرت علامه چیست؟

- در خصوص این موضوع در جامعه‌ی علمی دیدگاه‌های متفاوتی، از دیدگاه‌های افراطی تا دیدگاه‌های تفریطی، وجود دارد. اما آن دیدگاهی که حضرت استاد داشتند، مبتنی بر منطق نقلی و عقلی محکمی بود؛ یعنی ارتباط دادن بین منطق اسلام و منطق فلسفه منجر به شکل‌گیری یک تفکر عقلانی می‌شود که مورد تأیید اسلام، قرآن و روایات است و آن را تأیید می‌کنند. ایشان اولاً انحصارگرایی در روش‌شناختی غربی را در تولید علوم انسانی طرد می‌کردند، و آن را هم به لحاظ مبانی و هم به لحاظ لوازم، دارای مشکل می‌دانستند. ایشان می‌فرمودند، در ابتدا برای تولید علوم انسانی اسلامی در حوزه‌ی روش، باید روشی که مورد تأیید منطق دین است، مد نظر داشت. نظر ایشان در اساسی‌ترین مبنای این است که ما هر جا که در عرصه علوم انسانی، دین سخنی دارد، اعم از این که در مبانی، در روش، در مسائل و در فروعات، سخن دین مسموع است. این یک اصل است. از سوی دیگر ایشان دقت ویژه‌ای داشتند که هر سخنی را نمی‌شود به دین نسبت داد، بلکه سخنی را که می‌خواهیم به دین نسبت دهیم باید همان‌گونه که حضرت امام می‌فرمودند مبتنی بر قواعد پذیرفته شده در اجتهاد جواهری باشد. از این‌رو بسیاری از دیدگاه‌ها

محتوای آموزشی و نظام آموزشی حوزه در پاسخ به نیازهای جامعه توان لازم را ندارد. بنابراین باید یک تحول علمی در حوزه رخ می‌داد و به تعبیر دیگر یک مکملی برای برنامه‌های حوزه نیاز بود، تا بتواند پا به پای تحولات پاسخگوی نیازها باشد. چنانکه مقام معظم رهبری می‌فرمایند، «اگر یک نهادی پا به پای تحولات پاسخگو نباشد به حاشیه رانده می‌شود»، اگر این اتفاق رخ نمی‌داد حوزه‌ها به حاشیه رانده می‌شد. لذا این ایده در استاد شکل گرفت که حوزه باید کارآمد شود، نه تنها برای پشتوانه علمی نهضت بلکه برای این که در صحنه بین‌الملل تأثیرگذار باشد. بنابراین حضرت استاد در همان قبل از انقلاب بخش آموزش مؤسسه راه‌حق را ایجاد کردند تا روحانیونی تربیت شوند که در مرزبانی از فرهنگ اسلام در تولید علم و در تأمین نیازهای انقلاب اسلامی و حضور در صحنه بین‌الملل توانمند باشند. البته در مراحل بعدی اهداف دیگری نیز اضافه شد؛ یعنی استاد به این نتیجه رسیدند که فقط تربیت نیرو کافی نیست، بلکه محتوای غنی اسلام نیز باید استخراج و روزآمد شود. کار دیگری که حضرت علامه در قبل از انقلاب انجام دادند؛ پژوهش‌هایی بود که برای تبیین ساختار حکومت اسلامی و نظام اسلامی بود که در اصل ایده از مرحوم شهید بهشتی و برخی علمای دیگر نیز در آن دخیل بودند؛ منتهی برای این که رژیم حساس نشود و ممانعت نکند، عنوان آن را «مبحث ولایت» گذاشته بودند. حضرت استاد برای این جلسات فیش‌برداری‌های فراوانی کردند و فرمودند که این فیش‌ها بعداً به تهران منتقل شد و متأسفانه در آن‌جا به دست ساواک افتاد. این حضرات به این مسئله توجه داشتند که اگر حکومت اسلامی بخواهد تشکیل شود، اول باید نوع ساختار سیاسی آن مطابق با اسلام ناب باشد و بر اساس مبانی دینی طراحی شود. ایشان برای این، اقداماتی را همچون انتشار نشریه بعثت و انتقام که هم جنبه انتقاد به نظام طاغوت داشت، بحث‌هایی در تبیین ساختار نظام سیاسی اسلام و بحث‌هایی جهت فرهنگ‌سازی برای آن که جامعه آماده انقلاب شود، را انجام دادند. و گر نه صرف طراحی ساختار، موجب آن رخداد بزرگ انقلاب اسلامی نمی‌شود.

**فرهنگ پویا:** یکی از ویژگی‌های علمی حضرت علامه در دوران قبل از انقلاب، مبارزه فکری با جریان‌های دارای انحراف فکری بود، در این خصوص اگر مطالبی دارید عنوان بفرمایید.

که روشمند و بر مبنای فقه جواهری نیستند، طبعاً مردودند. بر همین اساس منطق دین و منطق عقل را می‌پذیریم. به عبارت دیگر هر جا عقل سخن قطعی، مستند و مستدل دارد آنجا سخن عقل پذیرفتنی است. لذا در تولید علوم انسانی اسلامی، ترکیبی از عقل و نقل را به کار می‌گرفتند. نکته دیگر این که ایشان، دوره‌های مسلم تجربه‌های علمی را هم می‌پذیرفتند. از این رو ایشان روش تجربی را نیز به طور کلی طرد نمی‌کردند. البته در تعارض بین تجربه و گزاره‌های دینی چه کار باید کرد، این موضوعی است که این مصاحبه محل پرداختن به آن نیست. اما فقط می‌خواستم اشاره کنم که ایشان به مسلمات تجربه علمی هم توجه می‌کردند.



**فرهنگ پویا:** همان‌گونه که اشاره فرمودید تولید علوم انسانی اسلامی، نیازمند به ساختارسازی است، بفرمایید حضرت علامه چه نقشی را در این حوزه ایفا کردند؟

- علامه تشخیص داده بود برای تولید علوم انسانی اسلامی به برنامه‌ریزی و ساختارسازی نیاز است. از طرف دیگر برای این مهم، نیازمند به فرهیختگانی هستیم که بتوانند در این ساختار و نهادها، آن اهداف را محقق کنند. بر همین اساس ایشان در قبل از انقلاب در سال ۵۴ بخش آموزش موسسه در راه‌حق را تأسیس کردند و خود ایشان نیز مدیریت علمی آن را به عهده گرفتند و علاوه بر تدریس بر برنامه‌های آموزشی آن‌جا نیز اشراف علمی و مدیریتی داشتند. از سوی دیگر احساس می‌کردند که برای تحقق این هدف، باید نظام آموزشی حوزه در عرصه فقه و اصول نیز متحول شود. لذا برنامه‌ای در همین راستا تهیه کردند. اما به دلیل محذوراتی که به وجود آمد پیگیری نشد. اولین نهادی که ایشان تأسیس کردند، همان بخش آموزش موسسه در راه‌حق بود. نکته مهم آن این بود که برای پذیرش دانش‌پژوه فراخوان عمومی ندادند، بلکه ایشان به همراهی مرحوم دکتر احمدی و برخی دیگر، مورد به مورد، افراد با استعداد را شناسایی کردند و به یک جمع ۲۰ نفری رسیدند که از همان‌ها هم مصاحبه‌های حضوری گرفتند البته در ادامه تقریباً ۱۶ نفر باقی ماندند. برخی از این پذیرفته‌شده‌گان در حال حاضر از مسؤولان بالای نهادهای حوزوی یا نظام اسلامی هستند و یا مسئولیت‌های مهم دیگری دارند. با پیروزی انقلاب اسلامی در ملاقات با حضرت امام خمینی ره، استاد فعالیت‌های انجام شده در این حوزه‌ها را به محضر ایشان رساندند و حضرت امام فرمودند این فعالیت را توسعه بدهید و تا من زنده‌ام هزینه آن را می‌پردازم و چنین هم شد؛ بخش آموزش موسسه، توسعه یافت و حضرت امام نیز تا آخر عمر شریفشان هزینه آن را متقبل و ماهانه پرداخت می‌کردند. در سال‌های بعد بر اساس این امر ولایی، حضرت علامه بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) را تأسیس کردند و علاوه بر آموزش دانش‌پژوهان، بخش پژوهشی را نیز اضافه کردند و سه کارگروه پژوهشی در محورهای ولایت و حکومت، اقتصاد و فلسفه تأسیس کردند. با رخداد انقلاب فرهنگی و بنابر دستور حضرت امام به ستاد انقلاب فرهنگی، مبنی بر این که برای اسلامی کردن دانشگاه‌ها دست خود را به سوی حوزه‌های علمیه دراز کنید، اعضای شورای



انقلاب فرهنگی از جامعه مدرسین تقاضای همکاری کردند. در جامعه مدرسین همی نگاه‌ها متوجه حضرت علامه بود. لذا ایشان، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را تأسیس و اساسنامه آن را تدوین کردند. برای این مهم نیروهایی را که در مؤسسه راه‌حق و بنیاد باقر العلوم تربیت کرده بودند به همکاری گرفتند. از مهم‌ترین کارهایی که واقعا در آن فضا شبیه معجزه بود، کنار هم نشان دادن اساتید برجسته دانشگاه در حوزه‌های مختلف علوم انسانی با حوزویان بود. دو گروهی که دستگاه رژیم پهلوی چند دهه تلاش کرده بود که بین آن‌ها جدایی بیندازند و حاضر نبودند کنار هم بنشینند و حتی برخی افراد که گاهی به لحاظ فکری نیز با یکدیگر اختلافات شدید داشتند، مرحوم استاد آن‌ها را کنار هم نشان دادند و برای آن‌ها نزدیک به صد جلسه معارف اسلامی تدریس کردند و مورد استقبال آن‌ها قرار گرفت. حتی هنگامی که غرب زدگان بر کرسی‌های مسئولیت قرار گرفتند و این برنامه به دلیل کارشکنی‌های آن‌ها به تعطیلی انجامید، برخی از آن اساتید پیشنهاد ادامه این جلسات را با هزینه شخصی خود می‌دادند. در میان این اساتید، کسانی بودند که اساساً دین به عنوان یک سلسله حقایق منطقی و حاکی از واقع را قبول نداشتند! یکی از این اساتید بود که در اوائل می‌گفت: مغز من دو قسمت دارد؛ یک قسمت خرافه، یک قسمت علم؛ به لحاظ قسمت خرافه با حوزه همکاری می‌کنم و به لحاظ بخش علمی با دانشگاه هستم. یا افرادی بودند که با جبهه ملی و دیگر گروه‌های ملی‌گرا همکاری داشتند حتی یکی از اساتید موفق در تدریس که به لحاظ علمی هم در رشته خود برجسته و دارای تألیفات بود روش تدریس استاد را تحسین می‌کرد. به هر حال حضرت علامه چنین نهاد علمی را برای اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها و علوم انسانی اسلامی تشکیل داد. بعدها آن نهاد به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تبدیل شد و الان نیز در حال فعالیت است. نتیجه‌ی این نهاد و همکاری تدوین اولین کتاب‌های علوم انسانی اسلامی در حد مقدمات آن موقع بود که متن درسی در دانشگاه شد.

گام بعدی حضرت علامه در ساختارسازی جهت تولید علوم انسانی اسلامی، تأسیس مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی بود. کاری که مقام معظم رهبری در پیام تسلیت خود از آن تجلیل کردند و یکی از ویژگی‌های حضرت علامه را تربیت شاگردانی ممتاز برشمردند. و در جای دیگر در باره خود مؤسسه فرمودند که از تأسیس این مؤسسه بسیار خرسندم. به امید روزی که مؤسسه‌ای در همین تراز در فقه تشکیل شود. یعنی این مؤسسه را الگویی برای حوزه‌ی فقه دانستند. و در تشریف فرمایی ایشان به قم و دیداری که اعضای مؤسسه با معظم‌له داشتند فرمودند: مؤسسه الگویی خوبی برای حوزه‌های علمیه ماست.

**فرهنگ پویا:** مؤسسه در چند رشته علمی فعالیت می‌کند؛ مؤسسه الان در ۱۵ رشته علمی؛ از رشته‌های علوم انسانی و اسلامی از مقطع کارشناسی تا دکتری فعالیت دارد و در کنار آن دروس حوزوی تا مرحله اجتهاد متجزی حوزه نیز تدریس می‌شود. و همچنین در رشته‌های مختلف کار پژوهشی نیز انجام می‌دهد.

**فرهنگ پویا:** آثار قلمی‌ای که از حضرت علامه به یادگار مانده است دارای دو خصوصیت عمده است، یک: دارای منطق قوی است، دوم روشمند است، حال سؤال این است که این آثار چه نقشی در تولید علوم انسانی اسلامی در آینده دارند؟

اگر بخواهیم علوم انسانی در یک ریل درست اسلامی‌سازی و تولید قرار گیرد، در درجه اول باید مبانی این علوم درست تبیین و تدوین شود، زیرا علوم انسانی رایج مبتنی بر مبانی برگرفته از فرهنگ غرب است. دانشمندان غربی خود نیز بعضاً بر این نکته اعتراف کرده‌اند که نظریاتی که درون این علوم رد یا قبول می‌شود به دلیل پذیرش یا رد آن مبانی است. لذا علوم انسانی رایج یا بر مبانی سکولار و یا بر مبانی الحادی استوار هستند. کاری که علامه رحمه‌الله علیه انجام دادند، این بود که چه در آثار خود و چه در برنامه‌ریزی‌هایی مؤسسه، از مبانی شروع کردند. در مبانی نیز از معرفت‌شناسی آغاز کردند و علی‌رغم عرف رایج در کتاب‌های فلسفی، ایشان در کتاب آموزش فلسفه به معرفت‌شناسی، روش شناختی به عنوان یک موضوع مستقل نگاه کردند. در هر صورت بهره‌گیری از مبانی معرفت‌شناختی، روش‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، روش‌شناختی و دین‌شناختی و الهیاتی، موضوعی است که منظومه فکری علامه مصباح در آن شکل گرفته است. البته مسئله هدف نیز نقش محوری دارد. این موضوع از دو جهت در علوم انسانی اثرگذار است از یک جهت به لحاظ این که هدف آموزش، تقرب الی الله است. اگر این هدف نباشد آن علم سکولار است. همچنین از جهت اینکه باید در تعلیم و تربیت مبانی الهیاتی به مثابه چارچوبه و موازین باشد. نکته مهم در این مرحله نوآوری و نظریه‌پردازی در مبانی و مسایل علوم انسانی بود با مشخصه‌هایی که ذکر شد که برای تولید علوم انسانی نقشی سرنوشت‌ساز داشته و دارد و حتی در ارتقاء و تحول علوم انسانی در سطح جهانی اثرگذار است. در تمام این حوزه‌ها که حضرت علامه نظریه‌پردازی کرده‌اند دارای نظریاتی بدیع بودند. بنابراین، آثار ایشان می‌تواند برای تولید علوم انسانی اسلامی بسیار اثرگذار باشد.

بخش دیگری که برای تولید علوم انسانی اسلامی باید به آن توجه شود، فلسفه‌های خاص در رشته‌های علوم انسانی



**گام بعدی علامه مصباح در ساختارسازی جهت تولید علوم انسانی اسلامی، تأسیس مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی بود. کاری که مقام معظم رهبری در پیام تسلیت خود از آن تجلیل کردند و یکی از ویژگی‌های حضرت علامه را تربیت شاگردانی ممتاز برشمردند. و در جای دیگر در باره خود مؤسسه فرمودند که از تأسیس این مؤسسه بسیار خرسندم. به امید روزی که مؤسسه‌ای در همین تراز در فقه تشکیل شود. یعنی این مؤسسه را الگویی برای حوزه‌ی فقه دانستند.**

است، که از آن‌ها با عنوان فلسفه‌های مضاف یاد می‌شود. در این حوزه فلسفه ارزش‌ها و مبانی و اصول تعلیم و تربیت و فلسفه اسلامی را تبیین و تدوین کردند و زیر نظر حضرت علامه کتاب فلسفه تعلیم و تربیت نوشته شد. این کار مهم با انگیزه‌ای که مقام معظم رهبری ایجاد کردند؛ حاصل شد. به این گونه که وزیر آموزش و پرورش وقت به مقام معظم رهبری گفته بودند که ما می‌خواهیم سند آموزش و پرورش را بنویسیم، آقا فرموده بودند شما مگر فلسفه آموزش و پرورش را نوشته‌اید که می‌خواهید سند بنویسید! آن وقت آن‌ها از موسسه خواستند که آن سند را بنویسند. به هر حال در زمینه فلسفه‌های علوم از ایشان آثار ارزشمندی به یادگار مانده است که می‌تواند اثرگذارترین عامل در تولید علوم انسانی اسلامی باشد.

### فرهنگ پویا:

آیا به همین دلیل است که حضرت آقا از ایشان به عنوان پستوانه تئوریک نظام یاد می‌کنند؟

بله، یکی از دلایل آن همین است. بدون شک نظام اگر بخواهد اسلامی بماند، باید زیرساخت‌های آن براساس اسلام شکل بگیرد و علوم انسانی اسلامی ستون فقرات زیرساخت‌های اداری کشوری را تأمین می‌کند از سوی دیگر نظام اسلامی می‌خواهد بر مبنای اسلام و در چارچوب آموزه‌های اسلامی اداره شود و آثار علامه در تبیین فرهنگی غنی اسلام این پستوانه را تأمین می‌کند زیرا فرهنگ همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند «مانند هوایی است که جامعه با آن تنفس می‌کند». اگر این هوا آلوده باشد فرد را بیمار می‌کند. و اگر هوا سالم باشد جامعه با سلامت به حیات خود ادامه می‌دهد. قوام نظام اسلامی نیز به علوم انسانی‌ای است که جهت‌دهنده و مشخص‌کننده مسیر و حرکت‌هاست. لذا مهم‌ترین عنصر فرهنگ ساز است.

### فرهنگ پویا:

با توجه به این که حضرت علامه فردی تشکیلاتی بودند، و از سوی دیگر تولید علوم انسانی اسلامی نیازمند به فعالیت‌های جدی پژوهشی است، آیا از علامه یادگارهایی در این حوزه باقی مانده است؟

در سؤال قبلی عنوان کردم که زیر نظر حضرت علامه یک سند تولید علوم انسانی اسلامی تدوین شد. این سند، مبنای فعالیت‌های گروه‌های مختلف علمی مؤسسه قرار گرفت. بنابر این کلیه پروژه‌های تحقیقی، نشست‌های علمی، پایان‌نامه‌ها، رساله‌های دکتری و مجلات علمی مؤسسه، در همین چارچوب قرار می‌گیرند و این مبنای همه فعالیت‌های گروه‌های مختلف مؤسسه قرار گرفته است و تمام برنامه‌ها، حتی مجلات علمی و پایان‌نامه‌ها همین جهت را دنبال می‌کنند.

کار دیگر ایشان در حوزه‌ی پژوهش در علوم عقلی است. در موسسه این پژوهش‌ها در چهار رشته علوم عقلی اسلامی؛ فلسفه، کلام، منطق و عرفان نظری، مد نظر قرار گرفته است. در فلسفه غیر از بحث‌های کلان فلسفی، به تمام فلسفه‌های مضاف؛ مانند فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اخلاق، فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه علوم سیاسی و... پرداخته می‌شود. گروه‌های علمی هم موظف شدند فلسفه رشته خود را بنویسند، که در حال حاضر همه‌ی این‌ها مشغول به کار هستند، این ساختارهای پژوهشی می‌توانند بسیار مؤثر در تولید علوم انسانی اسلامی و پشتیبانی از آن باشند.

### فرهنگ پویا:

یکی از ویژگی‌های فعالیت‌های علمی حضرت علامه، ایجاد ارتباط با افکار عمومی است، به‌گونه‌ای که ایشان برای سخنرانی برای عموم مردم، استان به استان و شهر به شهر مسافرت می‌کردند. ضرورت و انگیزه این نوع فعالیت چه بود و تأثیرات آن در حوزه گفتمان‌سازی برای انقلاب اسلامی چه اندازه بود و اگر خاطراتی در این زمینه دارید عنوان بفرمائید؟

یکی از ویژگی‌های حضرت علامه که حضرت آقا نیز در پیام تسلیت خود بدان اشاره داشتند، پای مستقیم داشتن در صراط مستقیم بود. ایشان همواره برای گسترش فرهنگ اسلام ناب محمدی صلوات‌الله علیه و برای هدایت جامعه به سوی آن هدفی که در دین مقرر شده، کارهایی که لازم بود انجام می‌دادند؛ هم فرهنگ‌سازی می‌کردند و هم بصیرت‌افزایی. و آنگاه که به دلیل شرایط زمانه، باید به میدان می‌آمدند تا از مبنای دینی و مبنای انقلاب اسلامی در حوزه‌ی افکار عمومی دفاع کنند به میدان می‌آمدند. بر همین اساس در سال‌های گذشته در مقطعی، شرایط به‌گونه‌ای شد که کسانی با اندیشه‌های التقاطی و غرب‌باورانه بر مسند قدرت در جمهوری اسلامی تکیه زدند و کم و بیش معتقد بودند که تنها راه نجات ما، لیبرال دموکراسی غربی است. آن‌ها با ارایه تفسیری لیبرالیستی از دین، صریحاً اعلام می‌کردند اسلامی که با آزادی به مفهوم غربی آن سازگار نباشد اسلام نیست! آن‌ها سعی می‌کردند آموزه‌های اسلامی را با دموکراسی و حقوق بشر غربی تطبیق دهند، این‌جا بود که علامه مصباح احساس کردند، اگر حرکتی قوی، منطقی و با تبیین قابل فهم اقشار مختلف جامعه رخ ندهد، یک هجوم فرهنگی به دست مسوولان غربگرا انجام خواهد گرفت و چیزی از فرهنگ ناب اسلامی باقی نخواهد ماند و چه بسا تفکر و نگرش جامعه ما را نیز تغییر خواهند داد. به همین دلیل بود که ایشان وارد میدان شده، با سفرهای پی در پی و ایراد سخنرانی‌های بصیرت‌بخش با آن به مقابله پرداختند.

ماجرای این‌جا آغاز شد که در یک تابستانی که حضرت استاد در طرح ولایت بودند یکی از روحانیون به خدمت علامه رسیده، نسبت به تهاجم فرهنگی غرب گریبان به اصول و مبانی اسلام و انقلاب اظهار نگرانی شدید کرده و گفته بود چنانچه این تفکر غالب شود چیزی از اسلام باقی نمی‌گذارد! ایشان فرمودند: به نظر من یکی مثل من، باید بلند شود و فریاد بکشد، پس از اتمام آن دوره طرح ولایت، حضرت استاد این حرکت را شروع کردند. ایشان ابتدا خود این مسیر را یک تنه و با تمام توان و انرژی پیمودند و مانع نهادینه شدن این جریان خطرناک در جامعه شدند. علاوه بر آن، همان گونه که داب ایشان بود که برای هر کار مهمی کادرسازی و ساختارسازی می‌کردند، برای این امر مهم نیز در قالب «کانون طلوع» کادرسازی و ساختارسازی کردند. کانونی که متشکل از برگزیده‌گان اعضای هیئت‌های علمی مؤسسه و بیرون مؤسسه بود. در این مجموعه، ابتدا شبهات و نظرات مطرح شده توسط این جریان، مورد بررسی قرار می‌گرفت و پس از یافتن پاسخ‌های دقیق و علمی که زیر نظر خود ایشان انجام می‌شد،



در حوزه‌ی پژوهش در علوم عقلی، موسسه در چهار رشته علوم عقلی اسلامی؛ فلسفه، کلام، منطق و عرفان نظری، مد نظر قرار می‌دهد. در فلسفه غیر از بحث‌های کلان فلسفی، به تمام فلسفه‌های مضاف؛ مانند فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اخلاق، فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه علوم سیاسی و... پرداخته می‌شود. گروه‌های علمی هم موظف شدند فلسفه رشته خود را بنویسند، که در حال حاضر همه‌ی این‌ها مشغول به کار هستند، این ساختارهای پژوهشی می‌توانند بسیار مؤثر در تولید علوم انسانی اسلامی و پشتیبانی از آن عمل کنند.

**فرهنگ پویا:** یکی از مباحثی که حضرت علامه عنوان می‌کردند این بود که اهداف انسان از دو طریق رفتار فردی و رفتار جمعی، قابل تحقق است. بر همین اساس می‌فرمودند اقامه دین به عنوان یک هدف، علاوه بر رفتار فردی، نیازمند به رفتار جمعی نیز هست. از آن جایی که براساس آموزه‌های اسلام ناب، قائل به این بودند که مردم میاندار اقامه دین هستند و ولایت هم شمشیر در دست آن‌هاست که به واسطه تمسک به این شمشیر می‌توانند اقامه دین کنند، جامعه را مسئول اقامه دین می‌دانستند. لذا همواره به دنبال این بودند که در جبهه فرهنگی انقلاب یک هم‌افزایی بین نیروهای انقلاب صورت گیرد آیا در این زمینه حضرت علامه با آن نگاه ساختاری که داشتند کارهایی را انجام داده‌اند؟

- پاسخ به این سوال یک بحث مفصل لازم دارد. من به اجمال عرض می‌کنم. همان‌طور که فرمودید ایشان معتقد بودند که ما باید کاری کنیم تا جامعه و توده مردم، پای کار انقلاب قرار بگیرند و این مسئولیت دینی اجتماعی خود را انجام دهند. اگر می‌خواهیم چنین چیزی رخ دهد، اولاً باید بعد معرفتی و اندیشه‌ای جامعه را ارتقاء داد. یکی از چیزهای مهمی که ایشان برای ارتقاء معرفتی جامعه طراحی کردند و اجرا کردند، طرح ولایت است. طرح ولایت هم به لحاظ محتوا چیز بدیعی است، چون تا به حال نظام تفکر دینی به این شکل اصلاً در هیچ جایی به جامعه ارائه نشده است. اما اکنون به همت ایشان مجموعه‌ای نظام‌مند، با زیربنایی‌ترین اندیشه‌های اسلامی در اختیار جامعه قرار گرفته است. این طرح به‌گونه‌ای است که برای هر قشری که اجرا شده، بدون استثناء

توسط اساتید در قالب سخنرانی، مناظره، میزگرد و ... در جامعه نشر داده می‌شد. این کار آنچنان در حوزه اجتماعی اثر گذار بود که دشمنان انقلاب اعتراف کردند: آن کسی که جلوی نفوذ و تهاجم فرهنگی و سیطره دموکراسی و فرهنگ غربی را در جامعه گرفت، علامه آیت‌الله مصباح بود. حتی یکی از این‌ها اظهار داشته است: آیت‌الله مصباح قاتل دموکراسی غربی است. از آن جایی که دشمن در برابر منطق قوی و بیان صریح و قابل فهم ایشان یارای مقاومت علمی نبود، حملات و تهاجمات گسترده‌ای علیه ایشان شکل داد. ولی کوچک‌ترین تأثیری بر عزم ایشان نگذاشت و با قدرت بیشتر به همان مسیر ادامه دادند. مقام معظم رهبری نیز درباره علامه مصباح فرمودند هر جا حرف رسا و نافذ، هر جا منطق قوی و مستحکم که باشد دشمن آن‌جا را زود تشخیص می‌دهد و به مقابله‌اش می‌آید... و به او تهاجم می‌کند».

مقام معظم رهبری در جایی می‌فرمایند «ایشان شجره طیبه است». حدس من این است که شاید ایشان می‌خواستند به این اشاره کنند که خود ایشان یک درخت پاک است که اندیشه‌های ایشان در عمق فرهنگ دینی نفوذ کرده و ریشه دوانده است و شاخسارهای آن هم تا اعماق جامعه نفوذ پیدا کرده است. ثمرات آن هم هر روز نو به نو به جامعه می‌رسد. جامعه اسلامی با استفاده از آن‌ها می‌تواند پر قدرت اهداف خود را دنبال کند و آن را تحقق ببخشد. ایشان با این مجاهدت تمام عیار هم جلوی تبدیل به گفتمان شدن فرهنگ منحط غرب را گرفت و هم گفتمان انقلاب اسلامی را زنده نگه داشت و تقویت کرد.

گفته اند: تاکنون هیچ طرح و برنامه‌ی آموزشی به این اتقان، جذابیت، غنای فکری، اقعان‌کننده، نظم و ارزشمندی ندیده‌اند. حتی این طرح برای نخبگان کشوری نیز بسیار پرجاذبه بوده است. دنوخته یکی از نخبگان کشوری این بود: «بار دیگر به این مکتب و این نظام خود افتخار می‌کنم!» تجربه اجرای این طرح نشان داده است که اگر جامعه ما به این معرفت‌ها دست یابد، قطعاً اقامه دین را با دل و جان و با ضمانت‌های درونی انجام می‌دهند. این که مقام معظم رهبری فرمودند این طرح باید فراگیر شود و هر قدر برای این طرح سرمایه‌گذاری شود جا دارد؛ یعنی باید تمام اقشار جامعه را در بر بگیرد. این مطلب را کسی می‌گوید که بصیرترین فرد نسبت به نیازهای جامعه و پیاده شدن دین در جامعه است. به نظر من طرح ولایت شاه‌کاری است که علامه مصباح انجام داده و فعلاً بدیلی ندارد. حتی کسانی هم که می‌خواستند مشابهی برای آن بسازند، خود به این نتیجه رسیدند که جایگزین همسانی نیز نمی‌توان برای آن آورد. این کار حضرت علامه مصداق این روایت است که «لو عرف الناس محاسن کلامنا لاتبعونا» اگر زیبایی‌های کلام ما را ببینند دنبال ما می‌آیند؛ یعنی انگیزه حرکت در آن‌ها ایجاد می‌شود. بخش دیگری که حضرت علامه در این راستا ایجاد کردند، یک کار ساختاری است. این ساختار، متشکل از نیروها و فعالان فرهنگی



سراسر کشور است. به لحاظ تشکیلاتی نیروهایی که در عرصه اقامه دین فعالند، علاوه بر این که خود نیازمند ارتقاء فکری‌اند، به لحاظ تشکیلاتی نیز نیازمند یک هماهنگی و انسجام هستند. این هماهنگی، موجب هم‌افزایی توانایی‌های این نیروها برای پیش‌برد این هدف می‌شود. اگر این نیروها از انسجام برخوردار نباشند، چه بسا هریک با همان انگیزه اقامه دین اثر یکدیگر را خنثی کنند. لذا استاد علامه اقدام به تشکیل دفتر ارتباطات فرهنگی کردند. در دفتر ارتباطات فرهنگی هر از چند گاه یک بار به صورت کشوری و یا استانی در کنار یکدیگر می‌نشینند و در خصوص موضوعات مختلف به تبادل نظر می‌پردازند. نکته قابل توجه در این راستا این است که این تشکل براساس مواضع دینی شکل گرفته است.

بر اساس رسالت این دفتر اولاً نیروهای فعال فرهنگی شناسایی می‌شوند و با یکدیگر و نوع فعالیت‌های هم آشنا می‌شوند و ثانیاً نقاط قوت و ضعف یک دیگر و خود را می‌شناسند، و با کمک‌رسانی به هم بر توانایی و فعالیت‌های خود می‌افزایند. از همه مهم‌تر، این ارتباط‌گیری با مرکزی که در رأس آن شخصیتی هم‌چون آیت‌الله مصباح قرار داشت، که به قول حضرت آقا: او خلاً علامه طباطبایی و شهید مطهری را پر کرده است، موجب می‌شد که احتمال انحراف از مسیر اصلی را در خود و مجموعه آن‌ها کاهش دهند. تجربه تاریخی بسیاری در این زمینه داریم که گروه‌ها و تشکلاتی ایجاد شده‌اند و تا مدت‌ها در مسیر صحیح حرکت کردند. اما به دلیل عدم ارتباط و عدم درک این مطلب که نیازمند به پشتوانه علمی قوی هستند، دچار انحراف شدند و زاویه گرفتند.

**فرهنگ پویا:** یکی از خصوصیات جناب عالی این است که سال‌های زیادی در کنار علامه مصباح رضوان‌الله علیه به فعالیت پرداخته‌اید و از نزدیک با ویژگی‌های مدیریتی ایشان آشنا شده‌اید، لطفاً هر چند کوتاه به ویژگی‌های مدیریتی ایشان بپردازید؟

- یک مدیر توانمند و مطلوب باید دقیقاً بداند مجموعه خود را به کجا می‌خواهد ببرد ظرفیت‌ها و نقایص و تهدیدها و فرصت‌ها را شناخته باشد و خطوط کلی مسیر را ترسیم کرده باشد و برنامه عملیاتی برای رسیدن به هدف را دقیقاً تدوین کرده باشد و آیت‌الله مصباح رحمته چنین بود علامه برنامه راهبردی داشتند. ایشان در تمام حرکت‌های خود، در هر موردی که وارد می‌شدند، معلوم بود که رسالت و هدف اصلی او چیست. اهداف ایشان بلند مدت و آینده‌نگرانه و در عین حال واقع بینانه و قابل وصول بود لذا به صورت شفاف حد و مرز کار را مشخص می‌کردند و ما متوجه می‌شدیم به چه سمت و سویی می‌خواهیم برویم. ایشان علاوه بر برنامه راهبردی، برنامه اجرایی هم داشتند. یعنی حقیقتاً معلوم بود که برای رسیدن به این هدف چه کاری باید

انجام دهیم. علاوه بر آن برای تحقق آن هدف، ساختارسازی و سازمان‌دهی می‌کردند، و همواره می‌فرمودند سازمانی لازم است تا متولی این برنامه شود و آن را اجرا کند. یعنی ساختار سازمانی مشخصی را تعیین کرده و همه این مؤلفه‌ها را با توجه و متناسب با تهدیدها و فرصت‌ها و ظرفیت‌ها و نواقص و با رویکرد تحولی تنظیم کرده بودند و این امر نه تنها در کلان مؤسسه بلکه در خرده نظام‌های مؤسسه هم مورد توجه بود.

مسئله دیگر نظارت است. ایشان بسیار دقیق و گاهی از چند کانال، بر امور نظارت داشتند که چگونه برنامه‌ها پیش می‌رود. ایشان با یک نظارت رسمی و نظارت‌های غیررسمی برنامه‌ها را کنترل می‌کردند. در کنار این نظارت با تأسیس معاونت فرهنگی توصیه‌های خود و مرکز تربیت مربی اخلاق خود کنترل و ضمانت اجرایی درونی ایجاد کرده بودند. موضوع دیگر بحث بازخوردگیری است. بسیاری از برنامه‌ها را ایشان به صورت آزمایشی و یک ساله یا دو ساله و حتی شش ماهه اجرا می‌کردند. بعد از بازخوردگیری و انجام اصلاحات، برای یک دوره میان مدت آن برنامه و ساختار را اجرا می‌کردند.

در کارهای مدیریتی بحثی تحت عنوان «رهبری سازمان» مطرح می‌شود. نکته مهم این است که سازمان و نیروی انسانی توان علمی، مهارتی رهبری سازمان را، پذیرفته باشد و رهبری بتواند رابطه عاطفی با مجموعه خود برقرار کند. حضرت علامه یک چنین شخصیتی داشت. لذا همه مجموعه می‌دانستند که ایشان به لحاظ علمی بسیار توانمند هستند و همواره تجربه می‌کردند که نظری که ایشان می‌دهند، نظری بسیار صائب است. وقتی در هیئت رئیسه بحثی می‌شد، ابتدا افراد نظر می‌دادند و ایشان جمع‌بندی می‌کردند و در آخر نظر خویش را عنوان می‌کردند. نظری که ایشان می‌دادند و یا تصمیمی را که تعیین می‌کردند، همه معترف بودند خیلی از نکاتی را که از آن غافل بودیم، ایشان توجه داشتند. از طرف دیگر همه به لحاظ عاطفی، ارتباطی بسیار صمیمی با ایشان برقرار می‌کردند. این به دو لحاظ بود، یکی این که ایشان دارای شخصیت معنوی بودند و دیگر این که ایشان نسبت به زیر مجموعه، بسیار دلسوز بودند. این دو خصوصیت منجر به ایجاد یک رابطه عاطفی عمیق می‌شد و این بسیاری از مشکلاتی که متوجه سازمان بود را برای افراد قابل تحمل می‌کرد. و در کنار این ویژگی‌ها قاطعیت و توکل ایشان بود که مصداق فاذا عزمتم فتوکل علی‌الله بودند.

از ویژگی‌های مدیریتی دیگر ایشان، توجه بسیار شدید به رشد دادن نیروهای زیرمجموعه بود. یکی دیگر از ویژگی‌های مدیریت ایشان، سعه صدر، که اساس کار مدیریتی است، بود. گاهی از سعه صدر ایشان انسان تعجب می‌کرد. بسیار اتفاق می‌افتاد که در مشکلات و بحران‌هایی که پیش می‌آمد افراد سراسیمه می‌آمدند و عنوان می‌کردند که در مواجهه با مشکل پیش آمده، چه باید کرد. ایشان با آرامش دو سه جمله می‌گفتند با همان دو سه جمله، آن چنان آرامشی ایجاد می‌کردند که گویا مسئله‌ای رخ نداده است. آن وقت همه در شرایط آرامش به فکر راه حل می‌رفتند.

این سعه صدر در برخورد با مخالفان نیز تجلی پیدا می‌کرد. حتی اگر کسی که مخالف او بود می‌آمد و از ایشان مشورت می‌خواست، کاملاً صادقانه و دلسوزانه، به او مشورت می‌داد. در کارهای اداری هم همین گونه بود. البته در جایی که احساس می‌کردند کسانی آگاهانه در صدد تحریف و تخریب و تضعیف ارزش‌ها و آرمان‌های دینی هستند به تعبیر خودشان عاطفه را حاکم نمی‌کردند بلکه عمل به وظیفه را مد نظر خود قرار می‌دادند...

نکته دیگر مدیریتی ایشان این بود که بسیار مقید به کار کارشناسی بودند. اجازه نمی‌دادند نسبت به هیچ کاری بدون نظر کارشناسی تصمیم‌گیری شود. گاهی بعد از کار کارشناسی باز می‌فرمودند: هنوز کافی نیست، بروید باز بررسی کنید. این روحیه ایشان ناشی از یک انگیزه دینی بود. همواره می‌فرمودند ما پیش خدا مسئول هستیم.

ویژگی دیگر مدیریتی ایشان، کار مخلصانه و حساسیت روی مسئله بیت‌المال بود. همواره خود را در این رابطه پیش خدا مسئول می‌دانستند. آن چه که از بیت‌المال در اختیار ایشان بود از آن‌ها به صورت پهمینه و تحت موازین دینی باید استفاده می‌شد. مهم‌ترین ویژگی که در همه کارهای ایشان وجود داشت و رمز موفقیت ایشان بود و در کلام ایشان نیز تجلی می‌یافت، این بود که کارهای ایشان برای خدا بود و به توسل به اهل بیت عنایت ویژه‌ای داشت. واقعا معتقد بودند و ما هم در طول این مدت که خدمت ایشان بودیم نمونه‌های فراوانی را دیده‌ایم که توصیه اکید بر توسل به اهل بیت علیهم‌السلام می‌فرمود.

**فرهنگ پویا:** از این وقتی که در اختیار نشریه پویا قرار دادید صمیمانه تشکر می‌کنیم.



مقام معظم رهبری در جایی می‌فرمایند «ایشان شجره طیبه است». حدس من این است که شاید ایشان می‌خواستند به این اشاره کنند که خود ایشان یک درخت پاک است که اندیشه‌های ایشان در عمق فرهنگ دینی نفوذ کرده و ریشه دوانده است و شاخسارهای آن هم تا اعماق جامعه نفوذ پیدا کرده است. ثمرات آن هم هر روز نو به نو به جامعه می‌رسد. جامعه اسلامی با استفاده از آن‌ها می‌تواند پر قدرت اهداف خود را دنبال کند و آن را تحقق ببخشد. ایشان با این مجاهدت تمام عیار هم جلوی تبدیل به گفتمان شدن فرهنگ منحن غرب را گرفت و هم گفتمان انقلاب اسلامی را زنده نگه داشت و تقویت کرد.